

پیشوندهای دو بخشی

سلام دوستان

در زبان آلمانی هر کاری دقیقاً فعل مربوط به خودش را دارد و ما میدانیم که افعال در زبان آلمانی دارای پیشوند هستند که این پیشوندها فعل ما را جداسازی میکنند ، یعنی در صورت نبود فعل کمکی در جمله ، پیشوند فعل اصلی ما از فعل جدا شده و به آخر جمله می نشیند ، از آنجایی که آلمانی ها یا بهتر است بگویم تفکر آلمانی بسیار نکته بین است و در هر کاری حساسیت خودش را دارد از آنرو هر پیشوند معنی و مفهوم خاصی به آن فعل می بخشد.

آیا راهی وجود دارد که این پیشوندها را درک کرد؟

به این پرسش هم می توان جواب مثبت داد و هم منفی ، یعنی بعضی از پیشوندها مشخص هستند و بعضی ها بر میگردد به سطح زبان شما که با تجربه می بایستی بیاموزید نه با خواندن جزوه ، اما نگران نباشید در این زمینه چند درسی به روی سایت وجود دارد که برای درک بیشتر می توانید دروس زیر را مطالعه کنید

نگاهی به فعل rufen و پسوندهای آن

نگاهی به پسوندهای weg, los , vorbei

نگاهی به فعل steigen به همراه پسوندهای آن

پیشوند افعال به همراه hin و her در زبان آلمانی

نگاهی به پیشوند be به همراه افعال آلمانی

نگاهی به پیشوند um به همراه افعال آلمانی

نگاهی به فعل fahren به همراه پیشوندهای آن

نگاهی به klären- به همراه پیشوندهای آن

نگاهی به فعل lesen به همراه پیشوندهای آن

نگاهی به فعل ziehen به همراه پیشوندهای آن

نگاهی به absagen, zusagen, ansagen در زبان آلمانی

نگاهی به tauschen و پیشوندهای آن

نگاهی به ändern و پیشوندهای آن

با مطالعه درس بالا ، به خوبی بیشتر پیشنونها را درک میکنید و همانطور که گفتم برای درک کامل آنها نیاز به تجربه در زبان آلمانی دارید

چنانچه شما سطح زبان معمولی دارید پیشنهاد میکنم که این دو جزوه زیر را مطالعه کنید

افعال در زبان آلمانی

افعال جدا شدنی در زبان آلمانی

و اما برگردیم به این درس ، در این درس می خواهیم به پیشنونهای دو بخشی یا دو تکه ای بپردازیم ، مانند پیشنونهای زیر

hinauf und hinter, hin und her, vor und zurück, hier und dort, oben und unten, drunter und drüber

این پیشنونها هرکدام با افعال مختلف می توانند ترکیب شوند و معنی و مفهوم جدیدی به آن ببخشند ، در ادامه با هرکدام از آنها بیشتر آشنا خواهید شد.

hin und her

چیزی یا کسی از نقطه A برود به نقطه B و بعد از B دوباره بیاد به نقطه A

به زبان ساده: برود و بیاید - hin از سمت گوینده به سوی دیگر ، مثل اینکه بگیم برو اونجا یا رفتن به آنجا مثل فعل hingehen به آنجا رفتن — her به اینجا آمدن یعنی دقیقاً برعکس hin است از سمتی به طرف من گوینده

پیشوند hin در بیشتر موارد به این مفهوم است که چیزی یا کسی از اینجایی که هست به سمت یا سوی دیگری برای مثال برود

پیشوند her در بیشتر موارد به این مفهوم است که چیزی یا کسی از جای دیگری به اینجا یا به این سو برای مثال بیاید

Beim Tennisspielen **fliegt** der Ball immer **hin** und **her**

در هنگام بازی تنیس آن توپ همه اش به آنجا و اینجا پرواز میکند (که در تفکر فارسی می رود)

hingehen از سمتِ من گوینده به جای دیگری رفتن

Wo gehst du hin? به کجا (از سمت من گوینده به جا یا سمت دیگر) میروی؟

در فارسی گفته میشه : داری کجا میری یا داری به کجا میروی؟

herkommen از جای به سمت گوینده آمدن

komm bitte mal her!

بیا اینجا (مثلاً شما توی آشپزخانه هستید و من در پذیرایی و فریاد میزنم بیا اینجا - > تو داری از یه جای به سمت من گوینده میایی

Woher? کجایی هستید یا از کجا میاید که اغلب زبان آموزان اینگونه شنیده اند این جمله را Woher?
kommen Sie

[hinauf und hinunter](#)

چیزی یا کسی از این پایین به سمت بالا برود و از آن بالا به سمت پایین بیاید - [hinauf](#) از پایین به بالا --- [hinter](#) به سمت پشت یا پایین بیاید

Beim Klettern muss der Bergsteiger [hinauf](#) und [hinunter](#)

در هنگام صخره نوردی آن کوه نورد باید از این پایین به سمت بالا برود و از آن بالا به سمت پایین بیاید

پسوند [hinauf](#) در بیشتر موارد با هر فعلی بیاید یعنی فعل ما درون خودش یک مفهوم از پایین به سمت بالا دارد که حال می تواند یک چیز یا شخص باشد

پسوند [hinunter](#) در بیشتر موارد با هر فعلی بیاید یعنی فعل ما درون خودش یک مفهوم از بالا به سمت پایین دارد که حال می تواند یک چیز یا شخص باشد

hinaufgehen به طرف یا به سمت بالا رفتن – بالا رفتن

Wir werden zu Fuß hinaufgehen

ما با پای پیاده بالا خواهیم رفت یا به طرف بالا خواهیم رفت

مثلاً با پای پیاده از یک کوه یا سربالای بالا برویم

hinunterschlingen بلعیدن – چیزی را بخوریم و از دهان به سمت معده پایین برود

ein Brötchen Hinterschlingen

یک نان را بجویم تا به پایین یا به سمت معده برود

drunter und drüber

چیزی یا کسی از رو به زیر و از زیر به رو بیاد – پیشوند drunter یعنی از رو به زیر و پیشوند drüber از زیر به رو

نکته : پیشوند drüber می تواند این معنی را داشته باشد که ما به جلو چیزی یا کسی برویم یا به پیشواز چیزی یا کسی برویم برای انجام کاری

Beim Schwimmen geht es im Wasser drunter und drüber

در هنگام شنا کردن آن در آب به زیر و رو میرود

drunterstellen در زیر قرار دادن یا گذاشتن – به آن زیر بردن و گذاشتن

sie stellt einen Eimer drunter

او (مونث) یک سطل زباله را در آن زیر یا اون پایین میگذارد

drüberfahren به سمت یک جای مشخص با وسیله نقلیه رفتن

Da ist eine alte Brücke, können wir da drüberfahren?

در آنجا یک پل قدیمی وجود دارد ، می توانیم ما به آنجا (به آن جای مشخص) برویم؟

vor und zurück

چیزی یا کسی به سمت جلو و عقب برای مثال برود یا بپرد - vor به جلو و zurück برگردد به جای اولش

پیشوند vor : در بیشتر موارد کسی یا چیزی به جلو یا به سمت جلو برای مثال برود (البته استثناء هم وجود دارد و دیگر پسوندها نیز به همین ترتیب است)

پیشوند zurück : در بیشتر موارد کسی یا چیزی به سمت عقب برای مثال برود یا بیاید - البته می تواند به آن فعل معنی برگردد هم بدهد یک چیزی مثل عقب گرد

Beim Fechten **springt** man **vor** und **zurück**

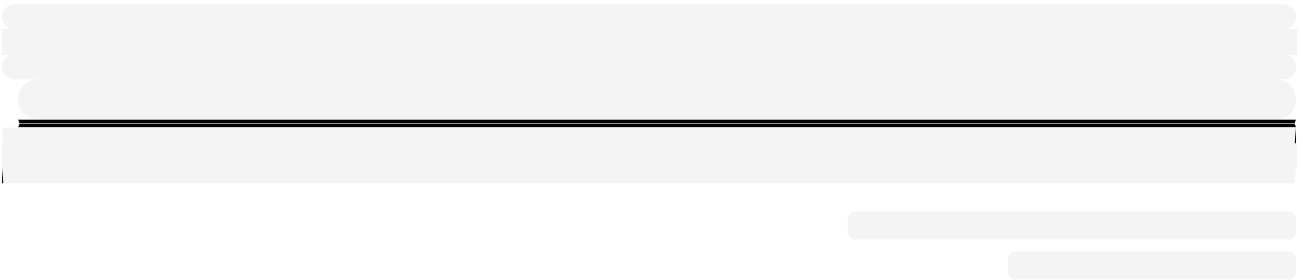
در هنگام شمشیر بازی آن به سمت جلو و عقب می پرد

vorkommen در مورد این فعل در صفحه اینستاگرام به آن پرداخته شده است ، این درس را از صفحه اینستاگرام من مطالعه کنید





[View this post on Instagram](#)



A post shared by de.alemani.de (@de.alemani.de) on Jan 27, 2020 at 9:18am PST

گفتیم که *vorkommen* می تواند معانی و مفهوم زیاد داشته باشد که بستگی به انعکاسی بودن یا نبودن آن دارد ، همانطور که گفتم استثناء هم وجود دارد ، البته اگر صادقانه بخواهم بگویم در تفکر ما فارسی زبان ها قابل درک نیست و اگر بخواهیم در مورد آن صحبت کنیم خود به تنهایی نیاز به یک درس دارد ، برای مثال فرض بگیرید میخواهیم بدانیم که *vorkommen* که به معنی به جلوی جایی رفتن است چگونه می تواند معنی اتفاق افتادن یا به نظر آمدن را داشته باشد

به نظر آمدن -> به چشم من در جلو من از نگاه من چیزی آمد -> چیزی آمد در نزد من یا رو به روی من که اصطلاحاً گفته می شود به نظر آمدن یا نمود کردن ، نمایان شدن -> پس همچنین بی ربط هم نیست

اتفاق افتادن ، رخ دادن ، پیش آمدن -> حال که چیزی در نظر ما یا در رو به روی ما آمد اکنون اتفاقی هم برایش افتاد -> یعنی چی؟ یعنی اینکه اگر چیزی قبلاً اتفاق افتاده باشد و حال در نظر من بیاید یا در جلوی من بیاید (تفکر آلمانی) با این توضیح که بعداً برایش نیافتد در تفکر فارسی میشود به نظر آمدن ، حال اگر چیزی به نظر من بیاید یا به جلوی من بیاید و تازه قرار است اتفاقی هم برایش بیافتد آنگاه در تفکر فارسی میشود : رخ دادن یا پیش آمدن

درست همانند درس اینستاگرامی

ein Irrtum kommt schon einmal vor

یک خطا یا اشتباه یک دفعه پیش می آید یا رخ میدهد

در اینجا حتماً بعد یک اشتباه یا خطا ، اتفاقاتی هم خواهد افتاد ❷

die Sache kommt mir verdächtig vor

این چیزها به نظر من مشکوک می آیند

یعنی یک سری اتفاقات از قبل افتاده حالا به جلوی من رسیده یا به گوش ام رسیده یا هرچی الان من باخیر شدم از شون پس به نظرم میاد که مشکوک باشند

[hier und dort](#)

اینجا و آنجا -> که این می بایستی برای بیشتر زبان آموزان شناخته شده باشد در سطوح پایین تر نیز با اینها آشنا شده اید

Beim Drachenfliegen [ist](#) man bald [hier](#) und bald [dort](#)

در هنگام بادبادک هوا کردن (کایت هوا کردن) آدم بلافاصله اینجا و بلافاصله آنجا است

در جمله بالا می توانیم bald را (گاه) نیز ترجمه کرد : مثلاً گاهی اینجا و گاهی آنجا

[oben und unten](#)

بالا و پایین – که همانند پیشوند hier und dort کاملاً شناخته شده است

Beim Ringen **liegt** der eine **oben** und der andere **unten**

در هنگام کشتی گرفتن یکی رو و دیگری قرار میگیرد

نکته بسیار مهم : متاسفانه در بیشتر فرهنگ لغت های فارسی به آلمانی به تفاوت افعال و پیشوندهای آن دقت نشده است مثلاً liegen را خیلی ها دراز کشیدن ترجمه کرده اند در صورتی که اگر بخواهیم از liegen به مفهوم واقعی دراز کشیدن برسیم در تفکر آلمانی میشود hinliegen یعنی از سمت من گوینده به جای دیگر دراز کشیدن و ناگفته نماند که اگر بخواهم لم بدهم یا از این فعل استفاده کنم آنگاه میتوانم از liegen استفاده کنم ، این یعنی اینکه در تفکر آلمانی تفاوتی میان لم دادن و دراز کشیدن وجود دارد ، پس لم دادن liegen و دراز کشیدن hinliegen است ❹

نکته بسیار مهم : گاهی این پیشوندها بدون هیچ فعلی در جمله می آیند که با توجه به موضوع بحث یا جملات قبلی می توان به معنی و مفهوم آنها پی برد

منبع : de.alemani.de

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد
